

دریچه

۲ فیلم ایرانی به جشنواره سیدنی اضافه شدند

● شصت‌وهشتمین جشنواره فیلم سیدنی پس از دو بار تعویق به سبب شیوع ویروس کرونا، سرانجام برنامه کامل نمایش آثار خود را شامل ۲۲۳ فیلم اعلام کرد و دو فیلم ایرانی «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی و «جاده خاکی» به کارگردانی پناه پناهی نیز در بخش فیلم‌های بلند به برنامه نمایش این رویداد سینمایی اضافه شدند. همچنین مستند «رادیوگرافی یک خانواده» ساخته فیروزه خسروانی به نمایندگی از سینمای نرژوژ در بخش رقابت بین‌المللی آثار مستند به نمایش گذاشته می‌شود. جشنواره بین‌المللی فیلم سیدنی ابتدا از ماه ژوئن به اکوست و با ادامه بحران جهانی کرونا به ماه نوامبر تغییر تاریخ داد. این رویداد سینمایی امسال از ۳ تا ۲۱ نوامبر (۱۲ تا ۳۰ آبان) شامل ۱۲ روز برنامه حضوری و ۱۰ روز برنامه آنلاین برگزار خواهد شد. جشنواره فیلم سیدنی طبق اعلام پیشین، امسال برنامه ویژه‌ای را به مرور آثار عباس کیارستمی، سینماگر شناخته‌شده ایران در سطح بین‌المللی اختصاص خواهد داد. این بخش ویژه که «جاده‌های طولانی و پریچ‌وِخ: فیلم‌های عباس کیارستمی» نام دارد شامل نمایش فیلم‌های «زندگی و دیگر هیچ»، «کوچه و نان»، «کلوزآپ»، «مسافر»، «خانه دوست کجاست»، «زیر درختان زیتون»، «طعم گیلان»، «باد ما را خواهد برد»، «ده» و «به ترتیب یا بدون ترتیب» می‌شود که در قالب بخش «مرور آثار عباس کیارستمی» در جشنواره به روی پرده خواهند رفت. همچنین پیش‌تر فیلم «شیطان وجود ندارد» از محمد رسول‌اف در میان آثار پذیرفته‌شده در این رویداد سینمایی انتخاب شده بود.

تالارهای حافظ میزبان تئاتر سریالی شدند

● نمایش «ما کی هستیم؟» به کارگردانی «مسعود ترابی»، تهیه‌کنندگی «شاهین پوشین» و نویسندگی «الناز عطایی» از ۱۶ مهر در تالار حافظ روی صحنه رفت. این نمایش در شش قسمت و به صورت سریالی روی صحنه رفت. درباره داستان این نمایش‌ها می‌خوانیم: داستان‌ها در یک ساختمان هفت‌طبقه در یک منطقه شمالی تهران اتفاق می‌افتد. ساختمانی که هر طبقه آن درگیر مشکلات خانوادگی خود است، مشکلاتی که از دل جامعه بیرون آمده و درون‌مایه اصلی تمام مشکلات دروغ و پنهان‌کاری است… مخاطب در هر قسمت، یک نمایش کامل با پایان‌بندی درست را تماشا می‌کند. داستان‌ها با یک خط ربط به هم متصل هستند و در عین حال دارای روایتی مستقل هستند. عوامل این نمایش عبارت‌اند از: طراح صحنه، شهاب شریفی، طراح لباس: نسیم ملکی، طراح گریم: مهتاب حسنی، طراح تیزر و پوستر: بهرام رامه، دستیار اول کارگردان: الهه بنی‌هاشمی، گروه کارگردانی: اشکان بیک، احسان اسماعیلی، رامین صبور، برنامه‌ریز: کیما نصیری، منشی صحنه: شکوفه سلیمانی، دستیار لباس: زهرا کلزاری، دستیار گریم: شروین پوشین، الهه عطایی، موسیقی: امیر سلطانی، ساخت موشن‌گرافیک: نگین مقدردوست، مدیر رسانه و تبلیغات، سیدمحمدصادق سیادت، عکاس: شیرین جهانزاده و روابط عمومی: کیتی شاکری. قسمت اول این تاتر با عنوان «یک مراسم کاملا آبرومندانه» با بازی مهتاب امیرکافی، مینا پیروزیان، نیلوفر جوادپور، محمدرضا حسنی، پوریا سعیدیان، مبین رستگار، سوگل سیدصدر، محمد عبداللّهی، الناز عطایی، سارا قریشی، مجتبی کریمی، حسین میلانی، علیرضا محمدی، سینا منتظری، فاطمه میری، محمدعلی مرتضوی و حامد مقدم به روی صحنه رفت. «زرد» عنوان قسمت دوم این نمایش با بازی مبین رستگار، هادی رضایی، محمدعلی شهیدی، سینا شهری، دنیا عیدون، سالار قدیمی، سانااز گراوند، یلدا محمدپناه، حسین میلانی، امیر مؤذنی، میترا مسانلی، محمدامین مدنی، فریا موسوی، حامد مقدم، سینا منتظری و هدیه یادگاری است. «سازهای تاکوک»، قسمت سوم نمایش «ما کی هستیم؟» با بازی امیرعباس بابایی، شاهین پوشین، مونا حسن‌زاده، پوریا خرم، مبین رستگار، بهرام رامه، مریم رضایی، آرش شیر، آذین فولادوند، نگین مقدردوست، حسین میلانی، حامد مقدم، سینا منتظری و فرید همدانی است. عنوان قسمت چهارم «کانتور» با بازی ندا اصغرپور، نازنین چهرهنگار، محمد ذوالنوریان، مبین رستگار، عسل سلیمانی، صنم سرمد، حمیدرضا غلامحسینی، سمیه قدیمی، سحر قلابرند، حسین میلانی، عاطفه موسوی، سینا منتظری، حامد مقدم، ضحا منتظری، کیما نصیری و نسرین یاسین است. بازیگران قسمت پنجم نمایش «ما کی هستیم؟» با نام «سندرم استکهلم»، امید اولایی، سینا یزشکی، مبین رستگار، رضا سلیمی، طیبه عقیقی، آیدا کنی، دریا مجیدی، مازیار مهرگان، حسین میلانی، حامد مقدم و سینا منتظری هستند. «تاو» نیز قسمت ششم نمایش با بازی سایه افضلی، اشکان بیک، محمد تقی‌زاده، میلاد حسینی، مبین رستگار، کتکم رسول‌زاده، فردین رحمانپور، مونا رضایی، سینا یزشکی، زمانی، میثم شمسیان، محمدباقر صفانور، مینا عظیمی، افشین غیانی، محمدمهدی غروی، حسین میلانی، پویا مهرابادی، سینا منتظری، حامد مقدم و نیما نمازی است. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه‌بلیت این نمایش به سایت تیوال به نشانی www.tiwall.com مراجعه کنند.

بهناز شیربانی: شبکه نمایش

خانگی، مدیومی است که این روزها حواشی‌اش به اندازه برخی از سریال‌های بی‌کیفیتی که روزبه‌روز به تعدادشان اضافه می‌شود، آزاردهنده شده است. در این میان ظاهرا فقط مخاطبانی که بابت تماشای سریال‌ها دست‌به‌جیب می‌شوند، نادیده گرفته می‌شوند. سال ۹۸ بود که ماجرای وی‌اودی‌ها و فعالیت‌ها و مرتبط با تولید محتوا در خارج از صداوسیما، به یکی از سئوژه‌های بحث‌برانگیز در رسانه‌ها تبدیل شد. در همان زمان سیدعلی‌اکبر محمودی‌مهریزی، مدیر کل تأمین و تولید تلویزیون تعاملی معاونت فضای مجازی

صداوسیما در گفت‌وگو با مهر به‌صورت رسمی تأیید کرد که مجوز محتوای پخش‌شده از وی‌اودی‌ها هم به صداوسیما رسیده است و در این گفت‌وگو از سازوکار چگونگی دریافت مجوزها و محتوای وی‌اودی‌ها از این اداره کل سخن گفت.

مهریزی در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «در این چند سال مهم‌ترین مأموریتی که برای صداوسیما در فضای مجازی مطرح شده، متولی‌شدن برای تولید و انتشار محتوای صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی است و همه این گفت‌وگوها ذیل این مأموریت صورت می‌گیرد. محتوایی که برای سرویس‌های وی‌اودی تهیه می‌شود، باید «پیش از تولید» مجوز بگیرد و خود سرویس‌های وی‌اودی طبق مقرراتی که پیش از این بود، به فعالیت خود ادامه خواهند داد. در فضای مجازی سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی از طریق سازمان تنظیم مقررات سازمان تنظیمگر رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر ایران مجوز فعالیت وی‌اودی‌ها را صادر می‌کند و از طریق معاونت فضای مجازی بر محتوای تولیدشده با وی‌اودی‌ها نظارت و اداره کل تأمین و تولید تلویزیون تعاملی مجوزهای را که برای تولید نیاز است، صادر می‌کند».

این موضوع در حالی مطرح شد که شبکه نمایش خانگی در سال‌های کوتاه فعالیتش با عرضه سریال‌های مخاطب‌پسند توانست نظر عموم مخاطبانش را جلب کند و بسیاری محصولات این

به مرور جدی‌شدن خبر انتقال اختیار صدور مجوز سریال‌های توزیع‌شده در وی‌اودی‌ها از سازمان سینمایی به صداوسیما به یکی از پربحث‌ترین موضوعات در بین اهالی سینما تبدیل شد. این موضوع در حالی مطرح شد که شبکه نمایش خانگی در چند سال اخیر به‌لحاظ جلب حضور حاگثری هنرمندان پیشرفت محسوس و چشمگیری داشته است و حضور فیلم‌سازان و بازیگرانی در این مدیوم که اغلب در سینما حضور داشتند، تا حد بسیاری توجه عموم مخاطبان را به سمت تولیدات شبکه نمایش خانگی جلب کرد و حتی برخی فیلم‌سازانی که پیش از این رفت‌وآمدی به سازمان صداوسیما داشتند، به دلایل مختلف بخش خصوصی و کار در شبکه نمایش خانگی را در اولویت قرار دادند؛ اما به‌محض جدی‌شدن خبر این انتقال بسیاری نگران چگونگی نظارت سازمان صداوسیما بر تولیدات شبکه نمایش خانگی شدند. چالش اصلی فیلم‌سازان از ابتدا این موضوع بود که این جابه‌جایی سد راهی مقابل سرمایه‌گذاران

بخش خصوصی و فیلم‌سازان حوزه شبکه نمایش خانگی خواهد بود یا به تعداد فیلم‌سازان این حوزه اضافه خواهد کرد؟ این موضوع با تعطیلی سینماها در پی شیوع ویروس کرونا و بی‌کاری جمع کثیری از اهالی سینما و آغاز تولیدات پرتعداد محصولات شبکه نمایش خانگی و البته اشتغال بسیاری از اهالی سینما در این سریال‌ها، نگرانی‌ها را بیشتر کرد. هرچند در ابتدا برخی با خوش‌بینی از این انتقال یاد می‌کردند اما اتفاقات چندماه گذشته نشان داد که این نگرانی خیلی هم بی‌جا نبوده است.

عدم صدور مجوز به دلایل مختلف و سانسورهای اعمال‌شده بر محصولات شبکه نمایش خانگی تنها بخشی از شرایط پیچیده چند ماه گذشته شبکه نمایش خانگی است. اتفاقی که صدای بسیاری از صاحبان آثار و مخاطبان این مدیوم را درآورده است و عدم انتشار به‌موقع برخی سریال‌ها و گلابه دست‌اندرکاران این محصولات در شبکه‌های مجازی نسبت به سانسورهای پیش‌از‌حد، بسیاری را از صرافت دنبال‌کردن سریال‌هایی که بابت آنها هزینه می‌کنند، انداخته است.

از سوی دیگر اختلاف سازمان سینمایی با سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر توجه بسیاری را جلب کرده است و بلاتکلیفی سازندگان محصولات شبکه نمایش خانگی در اخذ مجوزهای لازم از هر دو نهاد و معیارهای متفاوت صدور مجوز اتفاق دیگری است که روزبه‌روز شرایط کار در شبکه نمایش خانگی را دشوارتر می‌کند.

غلامرضا موسوی، تهیه‌کننده باسابقه سینما و رئیس هیئت‌مدیره «اتحادیه صنف تهیه‌کنندگان» در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به دوگانگی اخذ مجوز برای ساخت محصولات شبکه نمایش خانگی گفت: «همکاران ما یک بار باید از وزارت ارشاد و سازمان سینمایی مجوز ساخت سریال را بگیرند و یک بار از سنا‌تار و بار دیگر همین پروسه را درمورد پروانه نمایش هم دنبال کنند. جالب اینکه اینها گروه‌های متفاوت سانسور را دارند و اگر نسخه‌های فیزیکی را با آنچه پخش می‌شود، مقایسه کنید، متوجه می‌شوید دو چیز کاملا متفاوت است. به‌رحال بدیهی است که اگر شبکه نمایش خانگی همچنان در اختیار تلویزیون باشد، همان لایه‌ی سرش می‌آید که سر شبکه‌های تلویزیون و تماشاگرانش آمده است. سرانجام اینکه براساس قانون شبکه نمایش خانگی همچنان باید در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. طبعاً وزیر هم باید از مصالح وزارتخانه‌ای که مسئولیتش را به عهده گرفته، دفاع و حمایت کند».

منابع

قارچ سمی



می‌آید که در ادامه به نقطه‌عطف اول می‌رسد. اتفاقی که تماشاگر را شوکه کرده و قصه را وارد مرحله تازه‌تری می‌کند. جایی که آذر و اکرم باید از شر اتفاق هولناکی که به دست اکرم رقم خورده، خلاص شوند. در پرده میانی، مظاهری و سپینود ناجیان در مقام نویسنده به فیلم‌نامه خود تغییر مسیر داده و آن را از فرم کلاسیک پرده نخست دور می‌کنند. در این بین، گاه شاهد فلاش‌بک‌های کوچکی هم هستیم که نمونه آن را در برخورد این دو خواهر با خانواده دایی خود که صاحب باغ محل زندگی‌شان محسوب می‌شوند، می‌بینیم. در نیمه دوم بوتاکس، مظاهری عمده تمرکز خود را روی رابطه دو خواهر گذاشته و از تلاش آنها برای افشانشدن رازشان نزد بقیه به‌عنوان یک برگ‌برنده استفاده می‌کند. دیگر نکته مهم در این بخش، ایجاد تردید در ذهن مخاطب بابت آنچه دیده از طریق تمرکز روی اکرم است. به گونه‌ای که در پایان باز بوتاکس، مرز بین حقیقت و رؤیا از میان برداشته شده و تماشاگر

هنر

نادیده‌گرفتن حقوق مخاطب



باید انجام شود و رسانه‌ها در این

میان چه نقش مهمی دارند. به‌هرحال می‌دانیم اکثر آثاری که در بستر فضای مجازی و شبکه خانگی تولید می‌شود، طبیعتاً برای سودآوری است که اشکالی ندارد اما ارجحیت سودآوری به هر قیمت و تحت‌الشعاع قراردادن اهداف فرهنگی نکته مهمی است که باید به آن توجه شود و اگر در تولید آثار، اولویت با همان ارزش‌ها باشد این آثار مورد حمایت هم قرار می‌گیرند».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «هیچ تفاوتی در نگاه صداوسیما و ارشاد درمورد ضرورت مراقبت از حوزه فرهنگ نیست. هر دو نهاد‌های با هدف مشترک هستند و فقط حوزه مأموریت آنها متفاوت است. باید‌ها و نباید‌هایی داریم مثل انتقال حس باور و امید، شادابی و نشاط اجتماعی، نقش و جایگاه زن، کرامت انسانی، امنیت ملی، همبستگی، وحدت ملی و… همه جزء اصولی است که مورد توجه قرار می‌گیرد. وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان صداوسیما دو نهاد متولی امور فرهنگی هستند که البته تولیدات در حوزه برنامه‌های ترکیبی و مجموعه‌های نمایشی جزء تکلیف و وظایف ذاتی صداوسیماست و صداوسیما در طول این سال‌ها هم این کار را انجام داده است. از طرفی وزارت ارشاد متولی تولید آثار سینمایی است و در کنار آن حوزه موسیقی، تئاتر، نشر و… را هم بر عهده دارد که هرکدام حوزه تخصصی مربوط به خود را دارد و نباید با یکدیگر خلط شود».

میرحسینی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به وظایف وزارت ارشاد اشاره کرد و گفت: «یکی از چالش‌های این موضوع تفاوت اساسی در نوع نگاه نظارتی بر سینما و سریال‌هاست و ضمن آنکه وضعیت سینما به خودی خود در سال‌های اخیر بسیار ضعیف شده است و وزارت ارشاد درمورد خود سینما نیز زحمات زیادی پیش‌رو دارد. اما همچنان سینما با تک‌قسمتی‌بودن، فضای محدود بخشش و ویژه و خاص‌بودن مخاطبان وضعیتی کاملاً متفاوت از سریال‌ها و برنامه‌های ترکیبی برای نظارت را می‌طلبد، در صداوسیما البته توجه به اقتضائات فضای مجازی و تفاوت مخاطب تلویزیون با فضای مجازی در شورای صدور مجوز در نظر گرفته شده و شاخص‌ها متناسب‌سازی شده است. متأسفانه در دولت قبل و وزارت ارشاد قبل شاهد نوعی قصور و مسامحه و خنثی‌گرایی و بی‌تفاوتی نسبت به سریال‌های شبکه خانگی بودیم. مجوزهایی به آثاری دادند که نباید داده می‌شد. سازمان خیلی تلاش کرد اما به دلایلی مانند کمبود بودجه، فشارهای سیاسی و… ورود به حوزه مراقبت فرهنگی با کارشنکی‌های فراوان مواجه شد، صدور مجوزهای بی‌رویه و فله‌ای به‌خصوص در چند ماه پایانی دولت با هدف ایجاد حق برای متقاضیان تولید ایشان را در برابر صداوسیما و وزارت ارشاد دولت انقلابی و مردمی قرار می‌دهد و حتی منجر به بروز نارضایتی این هنرمندان از صداوسیما و دولت انقلابی جزای ایجاد می‌شود».

به‌تعلیلی ادامه‌دار سینماها و رونق شبکه نمایش خانگی و تمایل حضور بسیاری از فیلم‌سازان در این مدیوم و البته حواشی بسیار، باید دید در نهایت چه تصمیمی برای رفع مشکلات گرفته خواهد شد و آیا می‌توان به ادامه فعالیت شبکه نمایش خانگی امیدوار بود یا خیر؟

گالری‌گردی

به بهانه نمایشگاه مریم کوهستانی در گالری اینچا

روایتی از

«درون گوشت و استخوان»

● **کیانوش معتقدی:** مریم کوهستانی هنرمندی چندرسانه‌ای است که در دو دهه اخیر بی‌وقفه خلق کرده و در این تلاش هنرمندانه به زبان بصری منحصربه‌فردی به‌ویژه در عرصه مجسمه‌سازی با ماده سفال دست یافته است. مجسمه‌های او ساختاری پویا و درونی دارد و همواره تلاقی ایده و ظرفیت‌های اجرایی در آنها به شکل کم‌نظیری قابل رؤیت است. در این مجموعه او توانسته این مناسبات را در کار خود با رویکرد هنر تعاملی پیوند دهد. توجه و تمرکز مجسمه‌های کوهستانی اغلب بیش از هر چیزی به «تن» و نگره فیگوراتیو معطوف بوده است و همین درک و شناخت از بدن و امکانات آن به‌عنوان ابزاری برای بیان سبب شده است تا از خلال فرمی آشنا روایتی معناگرا و درعین‌حال انتزاعی را به نمایش بگذارد تا مخاطب را در راهبردی زیبایی‌شناسانه و عمیق به جهان ذهن هنرمند دعوت کند.

کوهستانی همواره در جست‌وجوی درک معنای خود، از روابط میان انسان‌های پیرامونش الهام می‌گیرد تا در نهایت همین گستره معنا را پیش چشمان مخاطبانش به تصویر بکشد. ابزار کار او پیکره‌های کوچک و نحیف انسان‌هایی از جنس سفال هستند که بی‌محابا به ما خیره می‌مانند. فقدان مفهوم رابطه در فضایی آکنده از تعلیق است. به‌تصور فرمی در مجسمه‌های او در یک دهه اخیر و به‌خصوص نمایشگاه حاضر، کوششی است برای هرچه ساده‌تر دیدن روابط انسان امروز و بازسازی مفهومی عمیق از رابطه میان دو گزاره «تن» با تن. در مجموعه «درون گوشت و استخوان» تاکید کوهستانی بر نوع رابطه خویشتن با خود و دیگری و فقدان مفهوم رابطه در فضایی آکنده از تعلیق است. بخش‌هایی از مجسمه‌ها (موموا سر‌ها که خود این تأمل‌برانگیز است) این‌بار قابلیت جابه‌جایی دارند و به مخاطب اجازه مداخله می‌دهد یا بهتر است بگوییم مخاطب را دعوت می‌کند در خلق اثر شریک شود و به این شکل هر اثر در چیدمانی متغیر، کش معنایی و وضعیت تازه‌ای می‌یابد. در نتیجه مجسمه که ماهیتی ایستا و ساکن دارد، به اثری پویا بدل می‌شود. به واسطه همین تمهید است که او با عبور از دو مفهوم «هویت» و «جنسیت»، اشاره‌ای صریح به جایی نامعلوم اما زرف در پس ذهن مخاطب دارد؛ تجربه‌ای اشتراکی در زمینه فرم و حرکت که ویژگی‌های مدرنیستی مجسمه‌سازی امروز را به ما یادآوری می‌کند، هرچند به‌شدت بی‌زمان و بی‌مکان است.

این پیکره‌ها، بی‌ارتباط به زمان و مکان معین، چنان از محیط و شرایط تاریخی خاص، فاصله گرفته‌اند که گویی این انسان‌ها نه در اینجا بلکه در هر جای این جهان می‌توانند بوده باشند. این تله‌ای به هم پیوندخورده و درهم‌تنیده که گاه از درون خود دوباره زاییده می‌شوند، متعلق به «شکل رابطه‌های امروز» هستند. در روزگاری که بازنشاسی هنرمند از غیر آن، دشوار می‌نماید، چنین رویکردی فرصتی است برای دموکراتیزه‌کردن هنر و فراهم‌کردن تجربه هنری برای عموم مخاطبان. از همین رو است که هنرمند نمی‌خواهد بیننده در برابر مجسمه‌هایش منفعل و بی‌عمل بماند؛ بلکه چیزی خلق کرده که مخاطب در وضعیتی خاص سازوکار چیدمانش را می‌تواند تغییر دهد و روایتی نو بیافریند.

آتشکاری بیش از حد سوزه‌ها و بازی‌های خیالی هنرمند، تأکید بر محتوایی است که از گذشته در مجسمه‌هایش حضور داشته؛ اما هیچ‌گاه تا این حد صریح نبوده و طرز مواجهه و تلقی‌اش از این «انسان‌واژه‌های به‌کمالت‌نرسیده به نوبه خود عمیق و دراماتیک است. چیزی که به روساخت و معنای مدنظر کوهستانی وسعت می‌بخشد، انتظام کلی فرم و محتوایی است که نه الزاماً از دریچه نقد و نگاهی تک‌نویسی، بلکه در تعاملی حسّی و مبتنی بر روایتی شخصی از رابطه هنرمند با تن خود به منصفه ظهور می‌رسد.

به نظر می‌رسد کوهستانی درک عمیقی نسبت به مقوله تنهایی و ارتباطات انسانی دارد و این احساس همواره در آثارش و به‌ویژه نمایشگاه پیش‌رو مفهومی نمادین یافته؛ اما شیوه بیان هنری‌اش در اینجا آن چنان سهل و ممتنع شده که برای افشار مختلف جامعه قابل جذب و فهم است و این دستاوردی بزرگ برای یک هنرمند به حساب می‌آید.

خبر

«جنایت بی‌دقت» به برزیل می‌رود

● «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکرری در ادامه برنامه نمایش‌های فستیوالی‌اش در بخش رقابتی دهمین جشنواره olhar به برزیل به نمایش درمی‌آید. «آنا سوزا» از مدیران جشنواره بین‌المللی ساندئس ریاست هیئت داوران این جشنواره را در عهده دارد که از ۶ تا ۱۴ اکتبر برابر با ۱۵ تا ۲۳ مهر بر می‌شود. این جشنواره سال گذشته به دلیان هم‌گیری کرونا به شکل آنلاین برگزار شده بود؛ اما این دوره که به صورت فیزیکی و با حضور تماشاگران برپا می‌شود، دوباره بخش بهترین فیلم از نگاه مخاطبان را به جشنواره بازگردانده است. «جنایت بی‌دقت»، در بخش نگاه نو با فیلم‌هایی از کشورهای آلمان، آمریکا، آرژانتین، روسیه، برزیل و… رقابت می‌کند.